تحلیل نقش انسان‌شناسی در اخلاق حرفه‌ای

دکتر ناصر مؤمنی*

گروه فلسفه اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت 93/8/3، تاریخ پذیرش 93/11/26)

چکیده

زمینه: یکی از علل کم‌رنگ شدن اخلاق در روابط انسانی، غفلت از ارزش والای انسانی است. این نگرش باعث می‌شود که انسان موجودی کم‌اهمیت به‌نظر آید و ناخودآگاه بسیاری از حقوق قانونی و اخلاقی او نادیده گرفته شود. برعکس، توجه به جایگاه بالای انسان، حس احترام به بشر و رعایت رفتار اخلاقی نسبت به او را بر می‌انگیزد. بنابراین لازم است، حقیقت و جایگاه انسان به‌گونه‌ای فراگیر و با روشی عقلی و نظری، تبیین شود و پیامدهای اخلاقی آن در رفتار افراد نسبت به یکدیگر مورد توجه قرار گیرد. از این روی پژوهش حاضر بر آن شد بر انسان‌شناسی فلسفی، عرفانی و دینی، به عنوان مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای توجه نماید.

نتیجه‌گیری: بین تلقی هر شخصی از انسان و نوع رفتار او با افراد بشر رابطه معناداری وجود دارد. توجه دادن به استعدادها و ظرفیت‌های نهفته در انسان و جایگاه بالای او در آفرینش، افزون بر این که هوش اخلاقی را پایدارتر می‌کند، می‌تواند از سویی نوعی احترام و رفتار اخلاق‌مدارانه نسبت به انسان‌ها را در افراد برانگیزد و از دیگر سو، انگیزه برای تربیت انسان‌های بدرفتار و غیراخلاقی را افزایش دهد. از این رو، برای بهبود روابط انسانی و به‌ویژه رعایت اخلاق در محیط کسب‌وکار، دیدن این جایگاه می‌تواند نقش چشمگیری داشته باشد. این دیدن اما بیشتر با چشم خرد دیده می‌شود تا با چشم سَر، یعنی نظری و فراتر از رفتارشناسی است.

کلید واژگان: *انسان‌شناسی، اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری.*

سرآغاز

اخلاق[1] در زندگی انسان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ رابطه بین افراد بشر و رفتارهایشان را تنظیم می‌کند و به عنوان یک نظام درونی، بی‌آنکه نیازی به اهرم‌های بیرونی باشد، می‌تواند عملکردهای مطابق با ارزش‌های انسانی را تضمین کند(1). به هر اندازه که جامعه‌ای به آن نزدیک‌تر باشد، نسبت به جامعه‌های دیگر متعالی‌تر است. در چنین جامعه‌ای، افراد نفع جامعه را بر نفع شخصی خود مقدم می‌دارند و سود و خیر خود را در سود و خیر جمع جست‌وجو می‌کنند(2).

اخلاق در همه شئون زندگی آدمیان حضور دارد؛ در زندگی شخصی، اجتماعی، سیاست، مدیریت، اقتصاد و ... آشکارا می‌توان آن را ردیابی کرد. آن بر فعالیت افراد بسیار تأثیرگذار است و تعهد و مسئولیت‌پذیری را در عملکرد انسان‌ها به همراه دارد.

نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها، در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها و در برخوردها و ارتباطها، مهم و تعیین کننده است. بنابراین امروزه بحث از آن به یکی از بحث‌های عمده رشته مدیریت تبدیل شده است(3) و به‌همین دلیل گفته شده است که راه اعتماد آفرینی، اخلاق است و مدیران همیشه باید بالاترین استانداردهای اخلاقی را مد نظر قرار دهند. از سوی دیگر، رفتار غیراخلاقی، محیط کسب‌وکار را بر ضد خود تحریک کرده و موجب شکست یک سازمان می‌شود(4).

از آنجاکه یادآوری شأن بالای انسان و استعدادهای او، نقش

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: nmomeni @ isfpnu.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

قابل‌توجهی در بهبود وضعیت اخلاق در همه حرفه‌ها دارد و نوعی راهکار کابردی را در زمینه اخلاق حرفه‌ای پیش روی ما قرار می‌دهد، در این نوشتار، با اشاره به جایگاه انسان در نظام آفرینش، کوشش می‌شود تا پیامدهای اخلاقی نگاه به این جایگاه، در روابط اسان‌ها و رفتارشان نسبت به یکدیگر بیشتر آشکار شود؛ تا مبنایی برای حاکمیت اخلاق در فعالیت‌های حرفه‌ای باشد.

بنابراین کوشش شده است تا با مرور بر نگرش‌های فلسفی، عرفانی و دینی و به‌ویژه نگاه اسلام به حقیقت انسان و استعدادها و توانمندی‌های نهفته در او، ارزش و کرامت انسان‌ها یادآوری شود. ولی از آنجا که ممکن است به هر دلیلی هر یک از این انسان شناسی‌ها برای افرادی غیرقابل قبول باشد، با «رهیافتی دیگر» نیز به انسان اشارت شده است که بر اساس آن هرکس به فراخور خود می‌تواند درک آسان‌تری از بشر و برتری او داشته باشد. با این نگرش نیز می‌توان با تکیه بر ویژگی‌های انکارناپذیری همچون: عقل و تأملات فکری، هوش و استعدادهای ذهنی، خلاقیت و هنر، احساسات و عواطف و اخلاق و معنویت، برتری و کرامت ذاتی انسان نسبت به دیگر جانوران را نمایان ساخت و به این طریق حقوق اخلاقی او را برجسته کرد.

انسان‌شناسی[2] نظری همچنین می‌تواند با نقش آفرینی بر گسترش و تقویت هوش اخلاقی[3]، توجه به ارزش‌های اخلاقی مانند: احترام[4]، اعتمادآفرینی، تعهد، بخشش، مهربانی، مسئولیت‌پذیری[5] و پاسخگویی، درستکاری، خودکنترلی[6]، خدمتگزاری و ... را بیشتر و عمیق‌تر کند؛ که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

این نوع از انسان‌شناسی، هر چند نگاهی کلان نگر و تحلیلی به انسان و جایگاه دارد و کمتر می‌توان از آن انتظار روش تجربی داشت، از جهت هدف و نتیجه اما کاربردی است و نمود آن را در رفتار انسان‌ها می‌توان یافت.

مفهوم‌شناسی اخلاق حرفه‌ای و اهمیت آن

بخش بسیار مهمی از اخلاق در زندگی اجتماعی انسان‌ها، اخلاق حرفه‌ای[7] است که به دلیل ارزشمندی و نقش آفرینی فراوان، امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و هر روز بر اهمیتش افزوده می‌شود. آن، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که ما را با شئون و تکلیف‌های اخلاقی در حرفه‌ها آشنا می‌کند. به بیان دیگر، رعایت اصول اخلاقی در رشته‌ها و حرفه‌های گوناگون، به عنوان اخلاق حرفه‌ای که زیر مجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است، شناخته می‌شود(5).

برخی نیز آن را این گونه تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی، بایدها و نبایدهای موجود در یک حرفه و مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده است که از سوی سازمان‌ها و مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود، تا مطلوب‌ترین روابط ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد(6).

اخلاق حرفه‌ای در زندگی اجتماعی انسان‌ها بسیار با اهمیت است. در پژوهشی به دست آمده است که با توجه به ضریب‌های معنادار، هرگونه بهبود در اخلاق حرفه‌ای می‌تواند همراه با بهبود در پیامدهای آن، یعنی مسئولیت اجتماعی و پاسخگویی فردی باشد(7). تا آنجا که عده‌ای اصول اخلاق حرفه‌ای را پیش شرط مدیریت سازمانی به حساب می‌آورند و مدیریت بدون مسائل ارزشی و توجه به اخلاق را بی‌معنا دانسته‌اند(8).

اخلاق بر فعالیت انسان‌ها تأثیر قابل توجهی دارد و لازمه عملکرد مناست، تعهد و مسئولیت‌پذیری است(4). از این رو، یکی از بحث‌های اخلاق حرفه‌ای مسئولیت اجتماعی است که می‌تواند به صورت اقتصادی، قانونی، اخلاقی یا دینی مجسم شود.

حتی با نگاه سود انگارانه نیز می‌توان گفت، توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاق حرفه‌ای، با فراهم آوردن بهبود روابط، ارتقای تفاهم و کاهش تعارض، افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر کارکنان و کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل، منافع بی‌شماری دارد. آن بهره‌وری و درآمد را افزایش داده و مزیت رقابتی را بهبود می‌بخشد و درجه ریسک را کاهش می‌دهد(7 -9).

به همین دلیل امروزه سخت مورد توجه قرار گرفته و با توجه به پیچیدگی‌های محیطی و تغییرات فزاینده‌ای که در دنیای کسب‌وکار وجود دارد، صاحب‌نظران برای موفقیت بلندمدت سازمان‌ها بر آن تأکید دارند. زیرا رعایت اخلاق موجب افزایش

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

تصویر مثبت و شهرت سازمان شده و منبعی برای افزایش مزیت رقابتی به شمار می‌آید(9).

«به طور ویژه، هنگامی که اصول یا ارزش‌های اخلاقی به طور گسترده‌ای میان کارمندان سازمان رایج شود و مدیریت بر منابع انسانی با رعایت اصول اخلاقی صورت پذیرد، موفقیت سازمان افزایش می‌یابد»(10).

در پژوهشی عامل‌های تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای در سه گروه فردی، سازمانی و محیطی معرفی شده اند.

عامل فردی مانند: ارزش‌های مذهبی، ملاک‌های شخصی و یا خانوادگی.

عامل سازمانی مانند: رهبری، مدیریت، ارتباط با همکاران، تشویق، تنبیه، قوانین و مقررات و فرهنگ سازمانی.

عامل محیطی مانند: مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...(10).

در این که هر یک از این عامل‌ها در تکوین و جهت دهی اخلاق حرفه‌ای مؤثرند شکی نیست. ولی به نظر می‌رسد که در این میان، عامل فردی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا مسائلی همچون ویژگی‌های شخصی، تربیت و باورهای دینی، در حکم پایه برای عامل‌های دیگر هستند.

با وجود این، در پژوهش هایی که در این باره شده است، مبانی نظری و فکری این عوامل، یعنی هستی شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، در این مقاله کوشش شده است تا نقش انسان‌شناسی، به عنوان یکی از این مبانی بر اخلاق حرفه‌ای، به طور عام و الگویی فراگیر و قابل استفاده برای همه حرفه ها، مورد ارزیابی قرار گیرد.

اشاره‌ای به حقیقت انسان

انسان را می‌توان با چندین رویکرد مورد بررسی قرار داد و از این رو، انسان‌شناسی به علمی (مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ...)، فلسفی، عرفانی و دینی تقسیم می‌شود.

از آنجا که انسان موجودی است بسیار پیچیده و رمز آلود و درک حقیقت و ابعاد وجودی اش مشکل، به جز انسان‌شناسی دینی که آموزه‌های ادیان برای معتقدان به هر یک از آنها پذیرفته و خدشه ناپذیر است، هیچ یک از انسان‌شناسی‌ها نتوانسته و مدعی هم نیست که می‌تواند تصویر روشنی از انسان را به نمایش در آورد و بنابراین حتی در بین پیروان هریک از مکتب‌های مربوط به انسان‌شناسی، درباره حقیقت، هدف از آفرینش و ابعاد وجودی او اختلاف نظر اساسی وجود دارد.

تاکنون از انسان تعریف‌های گوناگونی شده است؛ ولی معروف‌ترین و شاید دقیق‌ترین تعریفی که به ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، نسبت داده شده است در دو واژه «حیوان ناطق» خلاصه می‌شود. فیلسوفان جهان اسلام این تعریف را پذیرفته و در کتاب‌های منطقی خود از آن به عنوان بهترین نمونه تعریف حقیقی که همه ذاتی‌های این موجود را بیان می‌کند، یاد کرده‌اند(11 - 13).

این تعریف اگر چه دو امر جدایی ناپذیر بشر را به بهترین وجه بیان می‌کند و با تأکید بر اندیشه، برتری ذاتی‌اش را به رخ می‌کشد، ولی از بیان بسیاری از ویژگی‌های او همچون بعد روحانی و غیرجسمانی، اخلاق مداری، معنویت‌گرایی و ... ناتوان است؛ مگر آن که آنها را زیر مجموعه «نطق» یا همان فکر بدانند، که جای بحث دارد.

در تعریف مزبور ناگفته‌های فراوانی درباره حقیقت انسان[8]، مانند حقیقت روح و روان، اخلاق و معنویت وجود دارد که آسان نمی‌توان از آنها چشم پوشید. به همین دلیل ارسطو در کتاب مستقلی به نام«درباره نفس»[9]، درباره هستی روان آدمی، حقیقت، تجرد، چگونگی آفرینش، ویژگی‌ها و استقلال آن پس از مرگ بدن به پژوهش پرداخته است. این کتاب که به فارسی نیز ترجمه شده است(14)، مانند دیگر آثار او، پیچیده و همراه با ابهام است؛ ولی سر انجام بعد عقلانی روان آدمی را حقیقتی مجرد از ماده و پس از مرگ جاویدان می‌داند(14).

عرفا با نگاهی آرمان‌گرایانه، آدمی را مظهر خدا و جمیع اسماء و بسیار فراتر از حیوان تلقی کرده‌اند؛ که می‌تواند با به فعلیّت رساندن خویش، نماینده خدا شود؛ یعنی چنان شود که خدا را در خود نمایان سازد.

این گونه نگاه به انسان، ریشه در آموزه‌های دینی دارد. در تورات آمده است که خدا انسان را همانند خود آفریده است. باز در بیان راز تشریع قصاص می‌گوید: «کشتن انسان جایز نیست؛ زیرا او

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

شبیه خدا آفریده شده است. در روایات اسلامی نیز آمده است که خدا انسان را بر صورت خود آفرید(15). صدرالمتألهین افزون بر حدیث معروف«خدا انسان را بر صورت خود آفرید»، این حدیث را نیزآورده است: «خدا هیچ چیزی را شبیه‌تر به خود از آدم نیافرید»(16). این دیدگاه را عرفا و فیلسوفان زیادی، اعم از شرقی و غربی پذیرفته‌اند و برخی درباره‌اش دلیل آورده‌اند(17).

در عین حال، از نگاه دینی آدمی موجودی است دارای ساحت‌های لاهوتی و جبروتی و ملکوتی و ناسوتی (دنیایی و جسمانی)، که توانایی فرشته گون شدن، خداگونه شدن و از دیگر سو، پست‌تر از حیوان شدن و حتی شیطان شدن را دارا است و این بستگی به انتخاب، اراده و همت انسان‌ها دارد. از نگاه قرآن انسان موجودی دو بُعدی، یعنی جسمانی و فرامادی و روحانی است، که از آن به « روح الهی» یاد شده است و بدن جسمانی بستری برای رشد روح و وسیله‌ای برای خدمت‌گزاری به آن است. «فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحي فَقَعُوا لَهُ ساجِدين»(سوره ص، آیه72). بنابراین خصوصیت‌ها، نیازها و خواسته‌هایش هم جسمانی است و هم روحانی و از این رو، پتانسیل خوب و بد بودن او بی‌نهایت است، که خود هر یک را برمی‌گزیند. ولی در هر حال، اصالت با بعد غیرمادی است.

نیم نگاهی به جایگاه انسان در آفرینش

جایگاه انسان در بین دیگر موجودات و ارزش او بستگی به این دارد که حقیقتش چگونه دانسته شود. کسانی که آدمی را در همین بدن مادی و نیازهای زیستی خلاصه کرده و در ردیف دیگر جانوران گنجانده‌اند، ارزش‌گذاری آنها نمی‌تواند از این حد فراتر رود. آنان به بشر، حداکثر به چشم یک حیوان پیشرفته می‌نگرند، اهمیت او را به همین اندازه دانسته و سبک زندگیش را بر همین پایه استوار می‌سازند. ولی کسانی که رهیافت دیگری از او دارند، جایگاهش را بسیار بالاتر از این می‌بینند.

از نظر بیشتر فیلسوفان یونان باستان، مانند: سقراط، افلاطون، ارسطو و ... و فیلسوفان جهان اسلام و فیلسوفان متدین غربی، به دلیل اعتقاد به وجود نفس ناطقه و روح انسانی، آدمی متمایز و برتر و بسیار ارزشمندتر از دیگر جانوران است و افزون بر نیازهای حیوانی، نیازهای دیگر و فراتر نیز دارد.

عرفا اما چون انسان را مظهر خدا و آیینه او می‌دانند، او را بسیار فراتر از حیوان تلقی کرده و آن دو را قابل قیاس نمی دانند. در انسان‌شناسی آنان، انسان، عصاره و جامع جمیع موجودات و مظهر ذات، صفات و افعال خداوندی است و خدا او را به گونه‌ای آفریده است که به منزلهٔ آینه‌ای است که خود را در آن می‌بیند. ابن عربی گفته است: «چون خدا می‌خواست خود را ببیند، جهان را آفرید، این آفرینش اما بدون آفرینش آدم، همانند آینهٔ غیرجلا یافته و یا همچون شبح و موجودی بی روح است.» بنابراین پس از آن آدم را آفرید. آدمی به منزلهٔ چشم است که خدا بواسطهٔ آن به عالم می‌نگرد. پس انسان کامل، دارای مقام و مرتبهٔ جمعی و احاطی است که همهٔ صورت‌های الهی در او ظاهر گردیده است(17). همین جامعیت انسان [10]نشانهٔ لیاقت او برای احراز مقام خلافت الهی است(18).

مولوی مانند بسیاری دیگر از عارفان، انسان را از جهت صورت، عالم اصغر و از جهت معنا عالم اکبر نامیده است:

پس به‌صورت عالم اصغر تویی

پس به‌معنا عالم اکبر تویی (19).

از نظر ادیان الهی و به‌ویژه دین اسلام، با توجه به سیطره بعد غیرمادی در انسان و ویژگی هایی همچون عقل و اراده، تربیت‌پذیری[11]، اخلاق و معناگرایی، او می‌تواند بر همه بدی‌ها چیره شود و خود را به برترین مراتب برساند. بر همین اساس او امانتدار الهی(سوره احزاب، آیه72) و جانشین خدا (سوره انعام، آیه165 و سوره فاطر، آیه39 و سوره بقره، آیه 35)، معرفی شده است و با توجه به ویژگی فراطبیعی و استعداد[12] و شایستگی‌های فراوان در انسان، به کسی که این موجود پیچیده را با این مهارت و هنرمندی به نیکوترین وجه آفریده است باید آفرین گفت! « فَتَبارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ» (سوره مؤمنون، آیه17).

نتیجه این که انسان اشرف و سرآمد موجودات و از «کرامت ذاتی» برخوردار است: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و او را در خشکی و دریا به حرکت در آوردیم و به آنها از روزی های پاکیزه دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود او را برتری بخشیدیم»(سوره اسراء، آیه7).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

رهیافتی دیگر

اگر به هر دلیلی هر یک از نگرش‌های فلسفی، عرفانی و دینی در باره انسان برای افرادی مورد تردید باشد، با تمرکز بر ویژگی‌های مشهود و انکارناپذیر بشر و شگفتی‌های آفرینش او که دیگر جانوران از آنها بی بهره اند، باز می‌توان سرآمد بودن و برتری ذاتی او را تبیین نمود و پیامدهای اخلاقی این آگاهی در حرفه‌های مختلف را واکاوی کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

1- عقل[13] و تأملات فکری.

2- هوش و استعدادهای ذهنی[14].

3- خلاقیت و هنر.

4- احساسات و عواطف.

5- اخلاق.

6- معنویت

خصوصیت‌ها و نیازهای جسمانی انسان را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت. پس بشر یکی از گونه‌های جانوری است و همانند دیگر جانوران، نفس می‌کشد، غذا می‌خورد، غرایز خیوانی دارد، مرتکب رفتارهای ناشایست و حتی درنده خویی و جرم و جنایت و ظلم می‌شود، بیمار می‌گردد و بسیاری از این بیماری‌ها با جانوران دیگر مشترک و قابل انتقال است و ... . ولی با توجه به ویژگی‌هایی که برشمردیم، باز هم انسان می‌تواند سرآمد موجودات و شاهکار آفرینش و دارای کرامت ذاتی [15]باشد. علم و اندیشه‌ای که مرزهای طبیعت را در نوردیده، آثار هنری که چشم‌ها را خیره کرده، صنعت و فنّاوری‌ای که هر روز شگفتی می‌آفریند، مهربانی‌ها و نیکوکاری‌ها و ... هر کدام حاصل یکی از این ویژگی‌ها است، که هریک از آنها برای برتری انسان از جانوران دیگر کافی است. این مسائل به انسان هویت و ارزش می‌دهند و بدون آنها او با حیوان تفاوتی ندارد.

ممکن است گمان رود که این تلقی از انسان، او را به «حیوان پیشرفته» فرو می‌کاهد؛ ولی با در نظر گرفتن مجموع این ویژگی‌ها، به دست می‌آید که انسان چیزی فراتر از یک حیوان پیشرفته است و می‌تواند بیانگر احاطه امری فراطبیعی بر کالبد جسمانی او باشد؛ که اگر به آن توجه نشود و استعدادهای ویژه‌اش شکوفا و پرورش نیابند، آدمی ممکن است به مرتبه حیوانی تنزل یابد و اسیر خواسته‌های مادی و هواهای نفسانی گردد؛ تا آنجا که برای رسیدن به این خواسته‌ها چه بسا همه چیز و ازجمله اخلاق و انسانیت خود را زیر پا گذارد! شاعر شیراز چه نیکو گفته است:

تن آدمی شریفست به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
اگر آدمی به‌چشم است و دهان‌وگوش‌وبینی
چه میان نقش دیوار و میان آدمیت
خوروخواب‌وخشم‌وشهوت، شغبست‌وجهل‌ظلمت
حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت
به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد
که همین سخن بگوید به زبان آدمیت
مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی
که فرشته ره ندارد به مکان آدمیت
اگر این درنده خوئی ز طبیعتت بمیرد
همه عمر زنده باشی به روان آدمیت(20).

رابطه انسان‌شناسی با اخلاق حرفه‌ای

چنان‌که بیان شد، انسان‌شناسی یکی از مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای است و می‌تواند در گسترش و جهت دهی آن نقش انکارناپذیری داشته باشد. این پیوستگی را به دو روش می‌توان نشان داد:

الف) روش با واسطه: تأثیر انسان‌شناسی بر هوش اخلاقی و به واسطه آن بر اخلاق. در آغاز بهتر است گزارشی اجمالی از این هوش و اهمیت آن ارائه شود، تا رابطه‌اش با انسان‌شناسی بهتر نمایان شود:

هوش اخلاقی، توانایی درک درست از خلاف و در واقع تقویت رفتار مناسب است. این هوش به معنای داشتن اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آنها در جهت درست است. کسانی که از آن بهره‌مندند، کارهای خود را با آن پیوند می‌زنند(21 و 4). به بیان دیگر هوش اخلاقی توانایی ذهنی برای شناسایی این موضوع است که چگونه اصول انسانی، مانند قانون طلایی، اخلاقی است؟(4).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

این هوش وابسته به چندین ارزش است: همدلی، وجدان، خود کنترلی، احترام، مهربانی، تحمل و انصاف. سه مورد اول « هسته اخلاقی» آن را تشکیل می‌دهند(4).

عناصر اصلی این هوش را این گونه برشمرده اند:

1. درستکاری: انجام آنچه که درست است، نه تنها برای خود، بلکه برای دیگران.
2. مسئولیت‌پذیری: پاسخگو بودن در برابر اعمال و پیامدهای ناشی از آنها.
3. دلسوزی.
4. گذشت: تحمل اشتباه‌ها و کاستی‌های خود و دیگران(4).

در گزارشی دیگر، ویژگی‌های آن عبارتند از:

1. همدردی، تشخیص احساسات و علایق افراد.
2. هوشیاری، دانستن راه درست و عمل به آن.
3. خود کنترلی.
4. احترام، ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه.
5. مهربانی و توجه به نیازها و احساسات دیگران.
6. صبر و بردباری، با توجه به شأن و حقوق افراد؛ حتی کسانی که باورها و رفتارشان با ما مخالف است.
7. انصاف(21).

هوش اخلاقی موجب افزایش تعهد و ایجاد اعتماد و مسئولیت پذیری بیشتر می‌شود. از این رو، در اهمیت آن گفته شده است که مدیران بهترین شرکت ها، کسانی هستند که با بهره مندی از آن موفقیت سازمان خود را تضمین می‌کنند؛ زیرا می‌توانند اعتماد مردم را جلب نموده و از این طریق هزینه‌های خود را کاهش دهند(4).

انسان‌شناسی و درک بهتر استعدادهای بشر، می‌تواند هوش اخلاقی را پایدارتر کند و توجه به اصول و ارزش‌های اخلاقی مانند: وجدان، احترام و ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه، اعتماد آفرینی، تعهد، بخشش، مهربانی، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، درستکاری، خودکنترلی، گذشت، صبر و بردباری، با توجه به شأن و حقوق افراد، خدمتگزاری و ... را گسترده‌تر و عمیق‌تر نماید. تقویت و پایداری هوش اخلاقی اما نمود خود را در اخلاق حرفه‌ای نشان می‌دهد.

ب) روش تحلیلی: توجه به جایگاه بالای انسان در بین دیگر موجودات، می‌تواند از لحاظ اخلاقی آثار بسیار سودمندی بر ذهن و فکر و رفتار آدمیان داشته و پیامد های اخلاقی مفید و سازنده‌ای در بر داشته باشد. با توجه به این ظرفیت‌ها و این جایگاه، دیگر نمی توان با انسان‌ها همچون یک جانور برخورد کرد.

درست است که انسان در خصوصیت‌های زیستی یکی از گونه‌های جانوری است و از این جهت با آنها اشتراک‌های زیادی دارد و بر این اساس می‌تواند به پستی و زشتی روی آورد (که پیامد آن توجه بیشتر به تربیت و اخلاق است)، ولی روح و عقل و توانمندی‌های مثبت بی‌شماری که در این موجود نهفته است، از مقولهٔ دیگری است و او را از دیگر جانوران کاملاً متمایز می‌کند.

این توجه می‌تواند روحیهٔ اخلاقی[16] و عاطفی و نوع دوستی را تقویت نموده و فداکاری و ایثار را معنی بخشد و سود جمعی را جایگزین سود شخصی کند، افراد را نسبت به منافع گروهی و زندگی آیندگان حساس گرداند و اخلاق زیست محیطی را که امروزه از بزرگترین مسائل بشری است، تقویت نماید.

چگونگی تصور از انسان و جایگاه او در بین دیگر موجودها، راهنمای چگونگی تعامل و رفتارمان با آدمیان است. انسان هرگونه تلقی گردد، همان‌گونه با او رفتار می‌شود. اگر موجودی با منزلت، با کرامت ذاتی و ارزشمند دیده شود، روابط و مناسبات اجتماعی با او، کرامت محور و حرمت مدار می‌شود.

با در نظر گرفتن ارزش انسان و برتری‌هایش، او گوهری گرانبها است و بنابراین می‌بایست کوشش لازم در راستای محافظت از او و رعایت حقوقش به کار گرفته شود و وظایف قانونی و اخلاقی در برابر او صورت گیرد.

توجه به شأن انسان و برتری‌های او باعث می‌شود که هرکس در هر حرفه‌ای که فعالیت می‌کند، خود را در برابر دیگران بیشتر پاسخگو بداند و در حفظ شخصیت، آبرو و حقوق مادی و معنوی آنها کوتاهی نکند. با این نگرش، رئیس نسبت به زیردستان خود، قاضی در قضاوت، کارمند نسبت به ارباب رجوع، استاد نسبت به دانشجو، پزشک و پرستار نسبت به بیمار، فروشنده نسبت به خریدار، تولید کننده در کیفیت کالا، توزیع کننده نسبت به مصرف کننده، مصرف کننده در صرفه جویی و رعایت حقوق

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

دیگران و آیندگان و همه افراد نسبت به محیط زیست، با تمام وجود، همنوا با سعدی چنین می‌سرایند:

دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی
زنهار بد مکن که نکردست عاقلی
این پنج روزه مهلت ایام آدمی
آزار مردمان کند جز مغفّلی(20).

معنای کرامت ذاتی این است که انسان‌ها اگر چه در مقام رشد و کمال دارای درجاتی متفاوتند و هریک به فراخور دانش، اخلاق، تلاش و نوع رفتار خود طبقه بندی می‌شوند، ولی در آفرینش جایگاه یکسانی دارند و جنسیت، رنگ، نژاد، قومیت، زبان، ثروت و مالکیت مادی مایه امتیاز در انسانیت نیستند.

چو کار با لحد افتاد هر دو یکسانند
بزرگتری ملک و کمترینه بازاری
درکم ز خویشتن به حقارت نگه مکن
گر بهتری به مال، به گوهر برابری(20).

روابط بین الملل و حقوق بشر نیز بر همین اساس پایه گذاری و توجیه پذیرند. به عنوان نمونه در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، ضمن شناسایی کرامت «ذاتی انسان»، همه اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنان به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان، به ایمان دولت‌های عضو سازمان ملل متحد بر اساس منشور، به کرامت انسان و ارزش شخص انسانی، اشاره شده است(22).

تمام آنچه گفته شد باز در این گفتار سعدی شیرین سخن نهفته است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی(20).

در جامعه بین‌الملل و نظام حقوق بشر، از جمله مواردی را که می‌توان به عنوان مصداق مغایر با کرامت انسانی بر شمرد عبارتند از: به وضعیت برخی از سالمندان، معلولان، بیماران روانی، فقر شدید و گسترده، تولید و توزیع تصاویر مستهجن از زنان و کودکان به عنوان موضوعاتی تنها برای لذت جنسی که مصداق بارز استفاده ابزاری از انسان و تنزل شخصیت انسانی این افراد محسوب می شود، نگریستن. همچنین شبیه‌سازی موجودات بشری و هرگونه مداخله ژنتیکی در آنها نیز در تضاد با کرامت انسانی است(22).

آنچه درباره منزلت و کرامت انسان و تأثیر این تلقی از آدمیت بر نحوه برخورد با افراد بشر بیان شد، فراگیر است و همه انسان‌ها را در هرجا و هر زمان و هر شغل و حرفه‌ای که هستند در بر می‌گیرد. ولی از آنجا که در بخش سلامت و حرفه پزشکی پای مرگ و زندگی در میان است، پیامدهای آن در این بخش می‌تواند نمود بیشتری داشته باشد.

هنگامی‌که کارمندی در کار خود کوتاهی می‌کند، آنگاه که مدیری به زیر دست خود اهانت می‌کند و یا حقوقش را نادیده می‌گیرد، اگر چه هر دو با نادیده گرفتن کرامت انسان، حقوق او را زیر پا گذاشته و کاری ناپسند و غیراخلاقی انجام داده‌اند، ولی حساسیت و خطر آن هرگز به اندازه کم دقتی و کوتاهی در معاینه و عمل جراحی و یا مطالبه مبلغی که از توان بیمار در مرز خطر مرگ خارج است، نیست. هر یک از اینها مصداق نادیده گرفتن حق حیات بشر و بزرگ ترین ستم به اوست.

در کنار انبوه پزشکان و پرستاران متعهد و اخلاق‌گرا، کسانی هم یافت می‌شوند که سوگند اخلاقی خود را فراموش نموده و در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده اند و این اهمال منجر به از دست رفتن سلامتی فرد و حتی فوت شده است. اگر پزشکی به هنگام عمل جراحی، ابزاری را در محل جراحی جا گذاشته است، این اهمال و کم دقتی می‌تواند نتیجه بی‌توجهی به ارزش و کرامت انسان باشد؛ که اگر به آن توجه داده شود، هر آن رفتار او نسبت بیمار به گونه دیگری خواهد شد. بنابر این می‌توان با در نظر گرفتن فلسفه آفرینش انسان و ویژگی‌های انکار ناپذیر او، تعریف بهتری از سلامت ارائه داد.

از سوی دیگر، درک ارزش و منزلت بشر و توجه به کرامت او باعث می‌شود که هر کس به عنوان یک فرد انسانی، قدر خود را بداند، این گوهر گرانبها را به ناچیز نفروشد و با چیزهای کم ارزش جایگزین نکند؛ کرامت نفس داشته باشد، به هر کاری تن در ندهد و خود را در حد یک حیوان و پایین‌تر تنزل ندهد.

یک انسان با چنین نگرشی، افزون بر این که در پی رفتارهای منافی با شأن انسانی و خلاف اخلاق نمی‌رود، در هر شغل و حرفه‌ای که فعالیت دارد، این شأن و منزلت را پاس خواهد

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

داشت و نتیجه آن احترام به حقوق انسان‌ها و گام برداشتن در مسیر اخلاق است.

این شخص به بهای زیر پا گذاشتن اصول انسانی و اخلاقی، اسیر ثروت اندوزی، تجمل‌گرایی و لذت جویی افراطی و بسیار بیشتر از نیاز واقعی، که منجر به کوتاهی در انجام وظایف حرفه‌ای می‌شود، نخواهد شد. این انتظار از افراد فرهیخته و اهل دانش و اندیشه، که در پست‌های حساس و مدیریتی خدمت می‌کنند، بیشتر از دیگران است.

بسا نفس خردمندان که در بند هوا ماند

در آن صورت که عشق آید خردمندی کجا آید؟(20).

مولا علی(ع) می‌فرماید: ارزش هر فرد به چیزی است که آن را دوست دارد و برایش ارزشمند است. برای درک این که یک انسان چقدر ارزش دارد، باید بنگریم که او به چه دل بسته است. باید دید هر کسی خود را به چه بهایی می‌فروشد؛ کسانی که همه همّ و غمشان انباشتن ثروت و افراط در لذت مادی است، تا آنجا که برای رسیدن به آن ارزش‌های اخلاقی را زیر پا می‌گذارند، ارزششان به همان مقدار است! افرادی که تنها به فکر خود هستند و در دنیایی که برای خود ترسیم نموده‌اند فقط خود و خواسته‌های نفسانی جای دارد، در واقع خود را نشناخته‌اند و بنابراین خود را ارزان فروخته‌اند.

تو که در بند خویشتن باشی عشق باز دروغ زن باشی(20).

حافظ در نکوهش این خوی و منش به کنایه می‌گوید:

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

ناخلف باشم اگر من به جویی نفروشم(23).

امیر مؤمنان باز فرموده است: دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی شخص همین بس که ارزش واقعی خود را نداند و سعدی چه زیبا سروده است:

گر قدر خود بدانی قدرت فزون شود

نیکو نهاد باش که پاکیزه پیکری

چندت نیاز و آز دواند به برّ و بحر

دریاب وقت خویش که دریای گوهری...

گر کیمیای دولت جاویدت آرزوست

بشناس قدر خود که گوگرد احمری

ای مرغ پای بسته به دام هوای نفس

کی بر هوای عالم روحانیان پری؟(17).

نتیجه نشناختن انسان خود فراموشی است و نتیجه خود فراموشی افتادن در دام بیماری نفسانی و دور شدن از وضعیت طبیعی.

به نظر محمدبن زکریای رازی، هوای نفس آسیبی است که منزلت عقل را تهدید می‌کند و از حالت طبیعی خارج می‌سازد(24). اگر چه وصعیت طبیعی انسان سلامتی است، ولی او با نوعی کشش درونی از این سلامتی گریزان است. سلامت انسان در گرو عقل سنجش‌گر بر همه شئون زندگی انسان است(25).

ترک هواست کشتی دریای معرفت

عارف به ذات شو نه به دلق قلندری(20).

از سوی دیگر، کسانی که پی به ارزش و شأن بالای انسان برده‌اند، علاقه‌مند خدمت به خلق می‌شوند، به آنان عشق می‌ورزند و در هر جا و هر حرفه‌ای که فعالیت می‌کنند در حل مشکل دیگران می‌کوشند و لذتشان شادی و آسایش و آرامش مردم است. اینان آزادگانی هستند که جایگاه انسان را شناخته‌اند و در نتیجه قدر و ارزششان قابل اندازه‌گیری نیست.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن، و مردم در آن دو گروهند:

کسانی که خود را فروختند و به تباهی کشاندند.

کسانی که خود را خریدند و آزاد کردند.

البته ارزش هر فردی به فراخور حساسیت شغلی می‌تواند متفاوت باشد. مصداق بارز ارزشمندی وصف ناپذیر، کسانی هستند که زندگی خود را وقف دیگران کرده‌اند. اینها ارزش انسان را درک کرده و خود را به خاطر چیزهای کم ارزش هرگز نمی‌فروشند و به همین دلیل نزد دیگران عزیز و باعزتند و بنابراین هرگز از دل‌ها بیرون نخواهند رفت.

خدای یوسف صدیق را عزیز نکرد

به خوب رویی، لیکن به خوب کرداری

شکوه ولشکر وجاه وجمال ومالت هست

ولی بکار نیاید به جز نکوکاری(20).

کسی که نتواند به دیگران عشق بورزد و نسبت به دیگران مهربانی کند، شناخت درستی از انسان ندارد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر این ایده استوار است که شناخت هر چه بیشتر و بهتر انسان و جایگاه او در نظام آفرینش می‌تواند نقش بزرگی در گسترش اخلاق در بین مردم و نهادینه کردن آن در رفتار آنها نسبت به خود و دیگران بازی کند. این شناخت اما ناظر به زوایای درونی انسان و فراتر از صرف مردم‌شناسی و رفتارشناسی است و بیشتر با نگاهی کلان نگر، عقلانی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

رهیافت نظری و تحلیلی به طبیعت انسان و استعدادها و برتری‌های او می‌تواند به نگاه افراد به شأن و جایگاه انسان جهت دهد، ارزش‌های پایدار انسانی و جایگاه واقعی و کرامت ذاتی بشر را یادآور شود و در نتیجه، حس احترام به بشر و رعایت رفتار اخلاقی نسبت به او را بر می‌انگیزد و مرزهای نگاه ابزاری به او را در نوردد. این رهاورد، جهت‌گیری اخلاقی ویژه‌ای را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند نوعی راهکار کابردی برای حضور و گسترش اخلاق در روابط حرفه‌ای را در پیش روی ما قرار می‌دهد. پس لازم است به عنوان راهکاری تأثیرگذار، جدی گرفته شود.

از آنجا که به نظر می‌رسد این مسأله در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در این مقاله کوشش شده است تا نقش این نوع از انسان‌شناسی و تحلیل جایگاه بشر در نظام آفرینش، به عنوان یکی از مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای، به طور عام و الگویی فراگیر، تبیین شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانتداری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

اخلاق	1. Ethics
انسان‌شناسی	2. Humanology
هوش اخلاقی	3. Moral Intelligence
احترام	4. Respect
مسئولیت‌پذیری	5. Responsibility
خود کنترلی	6. Self-control
اخلاق حرفه‌ای	7. Professional Ethics
حقیقت انسان	8. Human Truth
نفس	9. Soul (De Anima)
جامعیت انسان	10. Integrity of Human
تربیت پذیر	11. Educable
استعداد	12. Capacity
عقل	13. Intellect
استعدادهای ذهنی	14. Mental Abilities
کرامت ذاتی	15. Inherent Dignity
روحیه اخلاقی	16. Moral Character

منابع

1. Salavati A, Rahmani M, Razman W. (2014). Professional ethics and knowledge management. Ethics in Science & Technology; 8(4): 2. (in Persian).
2. Farhud D. (2014). Adherence to principles of professional ethics in "traditional professions" "new professions" "governmental professions". Ethics in Science & Technology; 8(1): 3. (In Persian).
3. Beikzad J, Sadeghi M, Ebrahimpour, D. (2012). A survey on effective organizational factors on employees' professional ethic development. Ethics in Science & Technology; 7(2): 57. (In Persian).
4. Esmaile Tarzi Z, Beheshtifar M Esmaeli Tarzi H. (2013). Relationship between managers, moral intelligence and their building trust in the executive organizations of Kerman city. Ethics in Science & Technology; 8(1):71-79. (In Persian).
5. Pooya AR, Broumand E. (2013). Professional ethic in development of production process; from craft to mass production. Ethics in Science & Technology; 8(1): 51. (In Persian).
6. Ehrambafian M, karamipoor M, Tajasob K. (2014). Performance of Professional Ethics and Its Related Factor in High School Counselors. Ethics in Science & Technology; 9(1): 2. (In Persian).
7. Ghasemzadeh A, Zavvar T, Mahdiuon R, Rezaee A. (2014). Relation between professional ethics with social responsibility and individual

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]

accountability: mediating role of serving culture. Ethics in Science & Technology; 9(2): 2. (In Persian).

8. Sarmadi MR, Shalbaf A. (2007). Professional ethics in total quality management. Ethics in Science & Technology; (3-4): 99-110. (In Persian).

9. Ahmadi F. (2013). Evolution factors impact on professional ethics in service organization. Ethics in Science & Technology; 8(3): 2-3. (In Persian).

10. Sanei M, Yari M. (2014). Analysis the component of professional ethics of managers in the field of human resource management. Ethics in Science & Technology; 9(1): 3-9. (In Persian).

11. Avicenna H. (1027). Alshefa. (vol3, logic). Egipt: Alamirie. P. 43-45. (In Arabic).

12. Avicenna H, Thousi KN. (980 - 1037). The explication of Alisharat va altanbihat. (vol1, logic). Qom: Alketab press. P. 95-101. (In Arabic).

13. Thousi KN. (1988). Asas aleqtebas. Tehran: university of Tehran publication. P. 414. (In Persian)

14. Aristotle. (384 BC). About Soul (De anima). Translated by Davoodi (2000). Tehran: A. Hekmat publication. (In Persian).

15. Kolaini A .(1973). Usoole kaffi (Principles sufficient). Descripted by Kamareei MB (1973). Tehran: Islamiah Bookstore. P. 283. (In Arabic).

16. Sadr-almotaallehin M. (1894). The commentary of Alhedayat alathiriya, Beirut. Lebanon: Al Khalifa press. P. 213. (In Arabic).

17. Momeni N. (2012). Modeling the soul in MollaSadra's view. Journal of Wisdom and Philosophy; 8 (1): 93-116. (In Persian).

18. Hassan zadieh Amoli H. (1986). Nosoos al hekam bar Fosoos alhekam. Tehran: University Press of Raja. p. 13. (In Persian).

19. Mulavi JM. (1207-1273). Masnavye manavi. Edited by: Rinould Nikelson . Tehran: Maula publication. line 521. (In Persian).

20. Saadi .(1210-1291). Saadi's Collection (kolit-Saadi). Edited by: Froghi MA (1986). Tehran: Amirkabir publication. (In Persian).

21. Ghorbanizadeh V. (2013). Relationship between spiritual intelligence and moral intelligence with transformational leadership. Ethics in Science & Technology; 8(2): 5 (In Persian).

22. Ghorbanniya N. (2011). Human rights and humanitarian law. Institute of Islamic Culture and Though. P. 120-124. (In Persian).

23. Hafiz A .(1326). Court lyrics. Edited by: Ghazvini M, Ghani G (1995).Tehran: Safialisah publication. P. 461. (In Persian).

24. F-Qaramaleki A. (2011). The theory of healthy man in Razi`s system of ethics. Journal of Human Religious Studies; 24(3-4): 23. (In Persian).

25. F-Qaramaleki A. (2011). Razi`s self-knowledge theory in spiritual medicine and its place in his system of ethics. Journal of Human Religious Studies; 25 (1-2): 7-8. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.4.2.9]